

روزبه پیروز متولد سال ۱۳۵۰ است. او که با مشکل نروماسکولار چشم به این جهان گشود هیچ وقت اجازه نداده که این محدودیت جسمانی اثری در پیشرفتش داشته باشد. او دانش آموخته رشته روابط بین الملل و رشته مدیریت از دانشگاه های استنفورد و هاروارد است. پیروز عضو هیئت مدیره شرکت های معتبری است که به دست توانای خود تاسیس نموده است.



روزبه پیروز، ریس هیات شرکت فیروزه؛

## منافع تک تک ما به منافع کل جامعه گره خورده است

در آن زمان به جز پدربزرگ و مادر بزرگ پدری ام کسی را در ایران نداشتیم. ولی وقتی در سال ۱۳۷۶ به ایران برگشتم، عاشق ایران شدم و به فکر ماندگار شدن در کشورم افتادم. البته این عشق مثل هر رابطه عاشقانه در کنار خوبی هایی که داشت، مشکلات زیادی را هم به همراه داشت.

به هر حال من وابسته به ایران شدم. البته مدتی بعد به انگلستان برگشتم و با یکی از همکلاسی های دوره دکتری در اکسفورد، یک شرکت تکنولوژی در زمینه اینترنت commerce راه اندازی کردیم. شرکت ما در مسابقه ای که توسط یکی از شرکت های سرمایه گذاری در انگلیس برگزار می شد شرکت کرد و برنده یک جایزه سرمایه گذاری شد. به واسطه همین جایزه توانستیم فعالیت شرکتمان را توسعه دهیم. این اتفاق انگیزه ای شد که من تحصیل در دوره دکتری را رها

**افرادی که معلولیت دارند باید در متن جامعه باشند و نباید به هیچ وجه در حاشیه قرار بگیرند و این از مسایلی است که باید در ایران رویش کار شود**

دانشگاه هاروارد گرفتم و بعد از اخذ بورسیه از دانشگاه اکسفورد برای دوره دکتری، به انگلستان رفتم. با توجه به ایرانی بودن من، در دانشگاه اکسفورد برای دکترای رشته ای که انتخاب کردم در زمینه ایران بود. این پیشنهاد باعث شد که پس از ۱۸ سال برای اولین بار به ایران برگردم.

### لطفا کمی از خودتان بگویید؟

در سال ۱۳۵۰ در شهر تهران به دنیا آمدم. از همان ابتدای تولد با مشکل نروماسکولار روبه رو بودم که با تاثیر در قدرت عضلانی باعث مشکلات حرکتی در من می شد. از کودکی تحت مشاوره ها و درمان های پزشکی بسیاری قرار گرفتم و خانواده پیگیری های فراوانی برای درمان من انجام دادند که جوابی نگرفتند و علت این بیماری معلوم نشد. در سن هفت سالگی به همراه خانواده از ایران خارج شده و در ونکور کانادا اقامت گزیدیم. در آنجا چندین عمل جراحی روی من انجام گرفت که مهم ترین آنها قرار دادن یک میله آهنی در ستون فقراتم در ۱۷ سالگی بود.

در همان سال به دانشگاه استنفورد وارد شده و لیسانسم را در رشته روابط بین الملل از این دانشگاه دریافت کردم. فوق لیسانس را در رشته مدیریت از



کرده و وارد بازار کار شوم. در آن زمان بحث تجارت الکترونیک در اروپا هم به تازگی مطرح شده بود.

شرکت ما در انگلیس، آلمان و فرانسه فعالیت‌های خوبی را شروع کرد. بعد از گسترش فعالیت شرکت، آن را به شرکت مخابرات ایتالیا فروختیم و پول خوبی عایدمان شد. این شد که در همان سن جوانی به امکانات مالی خوبی دسترسی پیدا کنیم و به فکر تاسیس یک شرکت سرمایه‌گذاری در لندن افتادیم. این شرکت را راه انداختیم. با علاقه‌ای که به ایران پیدا کرده بودم، دوست داشتم کاری برای کشورم هم انجام دهم. پس به یکی از بانک‌های معتبر سوئیس مراجعه کردم و گفتم به دنبال راه‌اندازی یک صندوق سرمایه‌گذاری برای ایران هستم. در ابتدا جواب منفی شنیدم ولی دل‌سرد نشدم و در تماس با یکی از مدیران رده بالای این بانک که یک ایرانی سوئیس بود، فائز شدم که ایران بازار خوبی دارد و حیف است که صندوق سرمایه‌گذاری خارجی در آن وجود نداشته باشد. پیشنهاد کردم یک صندوق سرمایه‌گذاری در ایران راه‌اندازی کنیم که هم خودمان در آن فعالیت کنیم و هم بتوانیم سرمایه‌گذاران خارجی را جذب بازار ایران کنیم. نهایتاً با بانک‌های سوئیس خود صندوق سرمایه‌گذاری فیروزه را تاسیس نمودیم. پس از انتخاب آقای احمدی‌نژاد همکاری و فعالیت ما با این بانک سوئیس قطع شد. ولی چون به کار در ایران علاقه‌مند بودم، دفتری در ایران تاسیس کردم و با استخدام تعدادی از افراد کار را ادامه دادم.

به تدریج توانستیم به بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در ایران تبدیل شده و وارد بورس تهران شویم. تا امروز هشتاد درصد سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه سرمایه‌گذاری مالی، تحت مدیریت ما است. اگر چه این میزان نسبت به کشورهای مشابه مثل ترکیه بسیار کم است، ولی با توجه به شرایط ایران، قابل قبول است.

به هر ترتیب فعالیت خود را در ایران گسترش دادیم و در یک کارگزاری، شرکت فیروزه آسیا را مشترکاً با بیمه آسیا راه‌انداختیم. شش سال قبل شرکت سرمایه‌گذاری توسعه صنعتی ایران را که یک شرکت بورسی بود و

### تنوع انسان‌ها

**جزیی از زیبایی جامعه است. این‌که آدم‌های متفاوت بتوانند زندگی مسالمت‌آمیزی را در کنار هم تجربه کنند از یکدیگر بهره ببرند و از هم یاد بگیرند**

پوشش می‌دهند. از وقتی که در ایران مشغول به کار هستم و در جاهای مختلفی که عضو هیات مدیره بوده‌ام، به این نتیجه رسیده‌ام که یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کشور ضعف مدیریت در زمینه اقتصاد است. ایران کشوری پر از مهندس و بدون مدیر است. مهندسی اطلاعات فنی دارند ولی بنگاهداری و سازمان‌داری را نمی‌توانند انجام دهند. برای پر کردن این خلاء دوره‌ای را به نام مدرسه تجارت ایرانیان راه‌اندازی کردیم و از بهترین اساتید مدیریت از سراسر دنیا دعوت کردیم که دوره‌های مدیریتی؛ ام‌دی‌سی را در ایران برگزار کنند. این کلاس‌ها همچنان ادامه دارند.

**همانطور که می‌دانید، ده‌الی پانزده درصد از جمعیت ما دارای معلولیت هستند. این در حالیست که متأسفانه به دلایل مختلف، جامعه با این افراد ارتباط برقرار نمی‌کند و افراد دارای معلولیت نیز با جامعه ارتباطی ندارند. شما به عنوان الگویی موفق از فردی که دارای مشکلات جسمی و حرکتی هستید و توانستید بسیار پیشرفت کنید، بگویید چگونه در جامعه‌ای که در آن بزرگ شدید، پذیرفته شدید و توانستید مانند سایرین پیشرفت کنید و به بهترین موقعیت‌ها دست پیدا کنید. این جامعه‌پذیری در مورد شما چگونه شکل گرفت؟**

اتفاقاً این موضوع یکی از دغدغه‌های اصلی و یکی از اهداف من در همکاری با موسسه رعد است. من در زندگی این نعمت را داشتم که علی‌رغم معلولیتم هیچگاه منزوی نبودم. من در مدرسه معمولی درس خواندم، به دانشگاه رفتم و در خوابگاه‌های معمولی با سایر دانشجویان زندگی کردم. در دانشگاه‌هایی که در آنها تحصیل کردم همیشه امکانات خاصی برای افراد دارای معلولیت فراهم بود. مثلاً در یکی از دانشگاه‌ها چندین دستگاه ون، مخصوص رفت و آمد معلولان بود. اگر شبی می‌خواستیم به رستوران بروم زنگ می‌زد، می‌آمدند من را به رستوران می‌بردند و بر می‌گرداندند. در خوابگاه و محل سکونت هم امکانات خوبی برای افرادی که معلولیت داشتند فراهم بود. مثلاً اگر فردی معلولیت داشت و شرایط برای او مناسب و دسترس‌پذیر

توسط آقای دکتر نعمت‌زاده رئیس ایدرو در سال‌ها قبل راه‌اندازی شده بود را در اختیار گرفتیم. این شرکت بیشترین تعداد سهامدار (حدود دویست و پنجاه هزار نفر) را در بین شرکت‌های دیگر ایرانی دارد. سهام عدالت هم در آن نقش دارد. ما توانستیم شرکت توسعه صنعتی ایران که شرکتی دولتی بود را دگرگون کنیم. این شرکت نمونه‌ای از خصوصی‌سازی موفق در ایران است. شرکت توسعه صنعتی ایران بعد از تغییرات مدیریتی، بهترین سال‌های سود دهی را داشت و منابع مالی‌ش ۵ برابر شد.

### آیا تحریم‌ها روی کار این شرکت تاثیر داشت؟

مسئله اثر داشت. تحریم‌ها خصوصاً بر فعالیت‌های خارجی ما بسیار تاثیر گذاشت. بطوری‌که نه می‌توانستیم پول در بیاوریم و نه پولی را جابه‌جا کنیم. به همین دلیل تمرکزمان را روی فعالیت‌های داخلی گذاشتیم.

پس از واتو، شرکت سرمایه‌گذاری توسعه صنعتی، من یکی از موسسین بانک خاورمیانه بودم و اکنون عضو هیئت مدیره آن هستم. در صنعت تجارت الکترونیک ایران هم سرمایه‌گذاری کردیم و خودم یکی از بنیان‌گذاران شرکت سراوا که سهامدار عمده دیجی‌کالا، کافه بازار، علی‌بابا و الوپیک و همچنین شیپور است، بودم. شرکت‌هایی که نیازمندی‌های آن لاین را



نبود، به خاطر او محل کلاس را جابه جا می‌کردند.

افرادی که معلولیت دارند باید در متن جامعه باشند و به هیچ وجه نباید در حاشیه قرار بگیرند و این از مسایلی است که باید در ایران رویش کار شود. اتفاقاً برنامه‌ایی که در رعد دارم در همین مورد است. این که در حوزه فعالیت خود شرایط کارآموزی و اشتغال را برای این افراد ایجاد کنم. با مدیر بانک خاورمیانه صحبت کرده‌ام و آنها هم پذیرفته‌اند که یک سری از افراد دارای معلولیت را برای کارآموزی و اشتغال بگیرند. حتی به بانک پاسارگاد هم چنین پیشنهادی داده‌ام. این توجه باید یک برنامه ملی شود و در سطح ملی رویش کار شود.

من به جداسازی بین افراد دارای معلولیت و افراد تندرست در جامعه اعتقاد ندارم. باید این برنامه از دوران اولیه تحصیل و حتی قبل از آن در مهدهای کودک صورت گیرد. بچه‌های تندرست باید به حضور افراد دارای معلولیت و آنها هم باید به حضور افراد غیر معلول عادت کنند و از یکدیگر یاد بگیرند. تنوع انسان‌ها جزیی از زیبایی جامعه است که آدم‌های متفاوت بتوانند از یکدیگر بهره ببرند، از هم یاد بگیرند و زندگی مسالمت‌آمیزی را در کنار هم تجربه کنند.

### به نظر شما نقش خود کسانی که معلولیت دارند در وارد شدن به جامعه و شکستن سدها چیست؟

نقش خود فرد یک نقش کلیدی است. من به این جمله که از تو

در مدتی که در ایران مشغول کار هستم و در جاهای مختلف عضو هیات مدیره بوده‌ام و به این نتیجه رسیدم که واقعا یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کشور ضعف مدیریت در زمینه اقتصادی است. ایران کشوری پراز مهندس و بدون مدیر است

به توانیابان اعتماد بنفوس بدهیم که بدانند می‌توانند حرکتی را شروع کنند و جلو بروند و بدانند وقتی اراده وجود داشته باشد حتما موفق خواهند شد.

شعری از گوته است که مضمونش این است که وقتی شما یک خواستی دارید و حرکتی را شروع می‌کنید کل انرژی جهان هستی همسو با هدف شما تغییر می‌کند و راه برای شما باز می‌شود. بنابراین اعتماد به نفس و تقویت اراده در توانیابان خیلی مهم است و باید تقویت شود.

### توصیه شما به دیگر سازمان‌ها و شرکت‌ها در خصوص مسئولیت اجتماعی چیست؟

کشور به شدت دولتی است. دولت شاید نیت خوبی هم داشته باشد ولی در عمل با مشکلات زیادی روبه‌روست. چیزی که برای ایران می‌تواند تغییر آفرین باشد، قوی شدن بخش خصوصی مسئولیت‌پذیر است و اینکه بدانیم منافع تک تک ما به منافع کل جامعه گره خورده‌است. چیزی که در آن از لحاظ فرهنگی به شدت ضعف داریم. باید بدانیم همینطور که مثلاً قانون‌مندی در رانندگی و ترافیک به منافع کل جامعه گره خورده‌است، عدم تبعیض و ایجاد شرایط برای بهره‌مندی همه آحاد جامعه از امکانات هم، به نفع همه جامعه است. شرکت‌های ما نمی‌توانند توقع داشته باشند که بدون اینکه جامعه بهتر شود، منفعت آنها تامین شود. بنابراین باید بخش خصوصی را تقویت کنیم.

حرکت، از خدا برکت واقعا اعتقاد دارم. اینکه فرد از خودش شروع کند، پیش نیاز همه چیز است. من همیشه به دوستانی که می‌خواهند کسب و کاری راه بیندازند، می‌گویم اول خودتان حرکتی را شروع کنید، شاید به مقصدی که در تصور داشته‌اید نرسید ولی حتما راه‌های جدیدی برایتان باز می‌شود. ولی تا وقتی خودتان قدمی برندارید و منتظر باشید تا اتفاقی برایتان بیفتد چنین اتفاقی هرگز نخواهد افتاد. هر کسی قادر است تا حدودی واقعیت‌ها را خودش برای خودش شکل بدهد. من جدا از تجربه خودم، توانیابان زیادی را دیده‌ام که وقتی در جامعه حضور دارند مردم به دیدن آنها عادت می‌کنند و همین حضور در جامعه باعث دیده شدن نیازهایشان می‌شود. مهم است که